

زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و بُرنده‌تر از هر شمشیر دو دم، و چنان نافذ که نَفَس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می‌کند، و سنجش‌گر افکار و نیت‌های دل است 13. هیچ چیز در تمام آفرینش از نظر خدا پنهان نیست، بلکه همه چیز در برابر چشمان او که حساب ما با اوست، عریان و آشکار است.



چند سال پیش در کوه ماسادا در اسرائیل بودم. در حدود سال ۷۰ پس از میلاد، رومیان ماسادا را غارت کردند. هنگامی که رومی‌ها وارد قلعه شدند، همه یهودیان در ماسادا، از جمله زنان و کودکان، خودکشی کرده بودند. آنها ترجیح داشتند بمیرند تا اینکه به دست رومیان بیفتند. اگر امروز در کوه ماسادا باشید، می‌توانید تمام بقایای دوران باستان را ببینید و به این ترتیب می‌توانید به خوبی تصور کنید که در آن زمان چه اتفاق افتاده بود. و با این حال از آن زمان چیزی جز بقایای قدیمی باقی نمانده است: قابلمه‌ها، تابه‌ها و استخوان‌هایی که به سختی بازسازی شده‌اند در انجاست که دیگر هیچ ربطی به ما انسان‌های مدرن ندارند... زیرا مرده‌اند. برخی فکر می‌کنند که در مورد کلام خدا نیز همینطور است. خیال می‌کنند کتابی قدیمی است که مربوط به زمان دیگری است. در حالی که داستان‌های بسیار جالبی در کتاب مقدس وجود دارند، فکر می‌کنند که داستان‌های کتاب مقدس هیچ ربطی به زندگی امروز ما ندارند. داستان‌ها مانند نجات چشمگیر قوم اسرائیل از مصر یا سرگردانی آنها در بیابان، و در عهد جدید، داستان‌های عیسی و معجزات او بسیار جالب هستند. اما با وجود این، برخی مردم فکر می‌کنند که آنها در گذشته بودند و اثری در زندگی ما ندارند. و به همین دلیل است که ما واقعاً به آن اهمیت نمی‌دهیم. اما این عقیده اشتباه است. کتاب مقدس فقط یک کتاب قدیمی نیست. فقط مثل بقایای قدیمی نیست که مرده‌اند.. نه، کتاب مقدس کلام زنده‌ی خداست. و کلام خدا هرگز نمی‌تواند مرده باشد. همانطور که خداوند در آن زمان صحبت می‌کرد، امروز نیز صحبت می‌کند. امروز خدا می‌خواهد با من و تو صحبت کند. و دقیقاً به همین دلیل است که ما امروز اینجا هستیم.

*زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و بُرنده‌تر از هر شمشیر دو دم، و چنان نافذ که نَفَس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می‌کند، و سنجش‌گر افکار و نیت‌های دل است.*

در کتاب مقدس می‌خوانیم که دیوارهای محکم در شهر اریحا تنها بر سر کلام خدا فرو ریختند. کلام خدا امروز هم همینطور است. دیوارهای محکمی که ما را احاطه کرده‌اند و ما را آزار می‌دهند در عرض چند ثانیه فرو می‌ریزند و باید به زمین بیفتند وقتی خدا چنین فرمود

آیا در زندگی خود دیوارهایی دارید که شما را محدود می‌کنند؟

شاید در گذشته دیگر نمی‌توانستی شرابطی را که در آن بودی تحمل کنی. و آهسته آهسته به دنبال تسلی دهنده‌هایی می‌گشتی که زندگی تو را قابل تحمل‌تر کنند. مانند الکل، مواد مخدر یا بیش از حد بازی کردن با کامپیوتر. اما بعداً این چیزها مشکل جدید ایجاد می‌کنند و تو را اسیرتر می‌کنند. اکنون نه تنها گرفتار وضعیت خود، بلکه در دام اعتیاد نیز هستی. و تو دیگر نمی‌دانی چگونه آزاد باشی. کلام خدا دقیقاً برای همین مشکل است. خدا می‌تواند یک کلمه بفرماید و دیوارهای اسارت تو فرو می‌ریزد. شاید دیوار زندگی تو گذشته‌ی تو باشد. شاید نتوانی افرادی را که تو را اذیت می‌کردند ببخشی. و اکنون تمام آن تلخی را با خود حمل می‌کنی. اینجا خدا می‌تواند هم حرفی بزند و دیوارها باید به خاطر کلام خدا به زمین بریزند. زیرا کسی نمی‌تواند از کلام خدا جلوگیری کند. در هر مکان و مشکل مؤثر است. البته، وقتی خدا با ما کاری می‌کند، همیشه آسان نیست. گاهی اوقات وقتی خود را در نور خدا می‌بینی به من فشار می‌آید. کلام خدا فقط یک آرام بخش نیست که احساس بهتری را ایجاد کند وقتی درد می‌آید. نه، کلام خدا یک چاقوی جراحی است که گاهی اوقات بدن را می‌برد. کلام خدا باید چیزهایی را که خوب نیستند یا ما را از خدا جدا می‌کند، از زندگی ما حذف کند. این چیزها از زندگی ما حذف می‌شوند هنگامی که کلام خدا آنها را آشکار می‌کند و ما به گناه خودمان اعتراف می‌کنیم. البته وقتی به گناهان خود اعتراف می‌کنید دردناک است. البته به راحتی نمی‌توان گفت: «من گناه کردم!» حتی می‌توان گفت مخالف طبیعت ما انسان‌ها است! حتی کودکان متوجه می‌شوند که باید گناهان خود را از پدر و مادر پنهان کنند. جای تعجب نیست، زیرا اولین افراد، آدم و حوا، همین کار را انجام دادند. امروزه حتی روشهایی وجود دارند که نشان می‌دهند چگونه جلوی دیگران خوب به نظر بیاییم... و با این حال ما باید با پدر بهشتی مان این کار را کاملاً بر عکس انجام دهیم؟ آیا باید اشتباهات مان را به درگاه او آشکار کنیم؟ بله، خدا دقیقاً همین کار را می‌خواهد! ما می‌توانیم همه چیز را به درگاه او آشکار کنیم. و این همان کاری است که خدا دوست دارد از طریق کلامش انجام دهد. وقتی آدم اولین بار مرتکب گناه شد، خدا این کار را انجام داد. او این کار را با صدا زدن انجام داد: «آدم، کجایی؟» و خدا هنوز این کار را امروز انجام می‌دهد. او ما را در جایی که پشت گناهان مان پنهان شده ایم فرا می‌خواند. و بعد همه چیز را فاش می‌کند. او به ما نشان می‌دهد کجا مشکلی وجود دارد. به این صورت می‌فهمیم که نمی‌توان خدا را گول زد. و ما بیش از حد آگاهیم: در مقایسه با احکام او گناهان ما آشکار هستند. و با این حال می‌فهمیم که هیچ راهی غیر از خدا وجود

ندارد. بدون او نمی توانیم آرامش داشته باشیم. همه گناهان مان باید تحت اختیار او باشند. ما باید در حضور او آشکار شویم. آرامشی که در پیشگاه خدا به دست می آوریم فقط همین معرفت است! اجازه دارم، همه گناهانم را به درگاه او اعتراف کنم...» خدا یا ببین! دوباره اینجا هستم با تمام اشتباهات های من و با روح شکسته ام. اما می دانم پسرت، عیسی مسیح را برای کسانی مثل من، فرستادی.» البته می توان کلام خدا را نیز رد کرد. خدا کسی را مجبور نمی کند که به گناه اعتراف کند. اما بار رد کردن کلام خدا حرف آخر زده نشده است. زیرا جایگاه داوری خدا هنوز در برابر ما است. در آن روز همه ما، فرقی ندارد از کجا هستیم و کی هستیم، به نور درخشان خداوند مَنور خواهیم شد. و ما همه چیز را همانطور که هست خواهیم دید. آن وقت دیگر هیچ فریب و نیرنگی ممکن نخواهد بود. هیچ دروغی و هیچ ظلمی در برابر نور خدا قرار نخواهد گرفت. همه چیز باید آشکار شود. این واقعیت هم ترسناک و هم آرامش بخش است. چه کسی می خواهد تمام رمز و راز خود را فاش کند؟ و چه کسی دوست دارد افکار پنهانی را برای همه آشکار کند؟ اما همین واقعیت نیز تسلی بزرگی است. زیرا لازم نیست منتظر بهشت باشیم تا زمانی که خداوند به قلب های ما بدرخشد. کلام خدا امروز و اکنون با ما صحبت می کند. و کلام خدا می تواند تمام چیزهای تاریک زندگی من را در یک لحظه، حتی در حال حاضر، از بین ببرد. حتی امروز می توانیم آن را تمرین کنیم. مثلاً اگر ما به اعتراف خصوصی برویم و به گناهان خود به خدا و کشیش اعتراف کنیم، همین طور است. در آن لحظه قلب مان را باز می کنیم و خداوند با کلام خود همه چیز را روشن می کند. و سپس این کلمات را می گوید: «گناهان تو بخشیده شد!» و وقتی خدا چنین چیزی می گوید، واقعاً منظورش این است که گناهان نه تنها بخشیده می شوند بلکه فراموش می شوند و کاملاً پاک می شوند. یعنی تمام دیوارهایی که مرا اذیت می کنند و محاصره می کنند باید در یک لحظه به زمین بریزند. آنها باید در برابر کلام خدا پاک شوند. و این بدان معناست که من می توانم همه چیز را دوباره شروع کنم. من جرات می کنم زندگی جدیدی را شروع کنم. کلام خدا چنین است. کلام خدا مثل شمشیر دو دم است. از یک طرف ما را آشکار می کند و به ما نشان می دهد کجا در اشتباه هستیم. از سوی دیگر، عشق مسیح به ما نشان می دهد که مسیح فقط برای پاک شدن ما آمده است. آمین